

گونه‌شناسی مسکن روستایی شهرستان گرگان بر پایه الگوهای بومی ساختاری - کالبدی (نمونه موردی: روستای زیارت)

حمیدرضا رزمی* باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد علی آبادکتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آبادکتول، ایران.

Hamidreza_Razmi@yahoo.com

لادن حسینی نژاد: دانش آموخته کارشناسی ارشد، مهندسی معماری، موسسه غیر انتفاعی میرداماد، گرگان، ایران.

Ladanhn@gmail.com

میلاذ غلامی: باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

Miladgholami.arch@gmail.com

چکیده

مسکن درنواحی روستایی دربرآوردن نیازهای اساسی انسان نقش ویژه ای دارد. با درنظر گرفتن کارکردهای متنوع مسکن روستایی، مطالعه تأثیر عوامل مختلف در نحوه تغییر و تحول آن دارای اهمیت است. معماری روستایی ایران به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخگویی به نیازهای انسانی فعالیت های مردمی، عناصر تولیدی و محیط زیست، مجموعه ای همگن و متشکل با هویت کالبدی خاص را تشکیل می دهد که تجلی گاه ارتباطات و کارکرد ها و نقش چند عملکردی فضاها است. طرح، تکنولوژی و شیوه ساخت مسکن روستایی، ابعاد، تناسبات، مقیاس و انطباق با شرایط درون و بیرون واحد مسکونی همه و همه از میزان تأثیر و تقویت روابط انسانی با امکانات و شرایط محیط طبیعی و الزاماتی حکایت دارد که بصورت تجربی و در طول زمان به صورت اصول، معیارها و کمیت هایی در ساختارفضایی مسکن بروز یافته است. هدف از پژوهش حاضر بررسی گونه های معماری و سپس تحلیل واحدهای مسکونی روستای زیارت است. چارچوب نظری تحقیق بر اساس نقش خصوصیات محیط طبیعی محلی و همچنین محیط روستایی در چگونگی شکل گیری واحدهای مسکونی استوار است. پژوهش حاضر به لحاظ متدولوژی از نوع تحقیق توصیفی- تحلیلی بوده و از نوع مطالعات میدانی- تطبیقی است. گردآوری داده ها به دو روش کتابخانه‌ای و پیمایشی صورت گرفته که به این ترتیب پاره ای از اطلاعات لازم، نخست به صورت اسناد مکتوب گردآوری شد و سپس طی پیمایش میدانی به نقاط مختلف روستای زیارت، نمونه های فراوانی گردآوری شد که شماری از آنها پس از نخستین بررسی های توصیفی، طبقه بندی شدند. نتایج کلی تحقیق نشان می دهد که مهم ترین ویژگی ساختاری و تیپ لوژی معماری بومی روستای مورد نظر هماهنگی بافت و شکل گیری آن بر اساس زمین، ساماندهی فضاهای گوناگون مسکن روستایی با توجه به معیشت خانواده، عوامل اقلیمی و وضعیت اجتماعی، فرهنگی مردم، می باشد.

واژه‌های کلیدی: روستا، مسکن روستایی، معماری روستایی، شاخص های معماری روستایی، روستا زیارت.

مقدمه

دنیای امروزی مسکن و سرپناه بسیاری از جنبه های زندگی انسان را تحت شعاع خود قرار داده است. اهمیت مسکن روستایی و بافت های با ارزش روستا در ساخت و ساز های روستایی، مسئله طراحی الگوی مسکن روستایی را موجب شده است. تامین الگوی مسکن مناسب روستایی که قاعدتا با هدف نیل به کیفیت فضایی مطلوب تر دنبال می شود، نیازمند تفکری جامع نگر در توسعه فضای کالبدی، برنامه ریزی، طراحی و اجرا، همچنین اطلاع از کم و کیف ویژگی های معماری روستایی در مناطق مختلف، توانایی ها و کاستی های موجود در این زمینه است. الگوی معماری مسکن روستایی به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخگویی به نیاز های انسانی، فعالیت های مردمی، عناصر تولیدی و محیط زیست، مجموعه ای همگن و متشکل با هویت کالبدی خاص را تشکیل می دهد که تجلی کننده ارتباطات و کارکردها و نقش چند عملکردی فضاهاست. الگوی مسکن روستایی حکایت از این دارد که سازندگان آن ها، شرایط مختلف اقلیمی، سازه ای، فرهنگی و غیره را در نظر گرفته و بر اساس شناخت آن ها و تلفیق متناسب با یکدیگر به ساخت مسکن خود اقدام نموده اند. بنابراین الگوی واحد های مسکن روستایی از یک سو تحت تاثیر اقلیم و شرایط محیط طبیعی است و از سوی دیگر با الگوی معیشت روستاییان ارتباط دارد. از این رو طراحی الگوی هر واحد مسکونی در روستا، مستلزم بررسی جامعی از وضعیت جغرافیایی، اقلیمی، زیستی و معیشتی جامعه روستایی، ساختار جمعیت و نظام ساخت و ساز روستایی و نیز توجه به ضوابط بالا دست و معیار های طراحی مسکن روستایی است. با وجود پیشینه تاریخی بسیار کهن روستای زیارت شهرستان گرگان، هنوز بررسی معماری کافی در این منطقه صورت نگرفته است و با توجه به آن که در دهه های اخیر برخی از نواحی این روستا دچار دگرگونی های وسیع و گسترده ای شده است، ممکن است که بسیاری از آثار معماری منطقه از میان برود. در این پژوهش به شناسایی انواع فضاهای مسکونی به لحاظ ساختار و نوع کارکرد با توجه به ویژگی های اقلیمی محلی روستای زیارت پرداخته شده است، طریق مقایسه و ارزیابی نمونه ها، از نظر نوع ساختار کالبدی و نوع پلان، چگونگی ارتباط بین فضاهای باز، نیمه باز و بسته و روابط عملکردی فضاها (ساختار کارکردی فضاها)، وجوه اشتراک و افتراق آنها مورد تحلیل قرار گرفته شده است. رشد طبیعی جمعیت در کنار تراکم خانوارهای روستایی در واحد مسکونی که نیاز به تأمین مسکن جدید را ایجاد می کند و همچنین تأکید اصل ۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر تأمین مسکن متناسب با نیاز خانوارهای ایرانی و به ویژه روستاییان و نیز موظف شدن دولت به بازسازی و نوسازی مسکن های روستایی، حجم گسترده ای از دخالت های کالبدی را در روستاها، به خصوص در ده سال اخیر به دنبال داشته است. برابر شواهد موجود آسیب پذیری واحدهای مسکونی روستایی در برابر سوانح و تلاش دولت در رفع آن، فرایند یاد شده را در سال های آتی با سرعت بیشتری همراه خواهد ساخت. درحالی که شرایط موجود در مسکن روستایی با مشکلات خاص خود مواجه است، مطالعات در زمینه مسکن در کشور عمدتاً معطوف به مسکن شهری و یا به روستاهای شاخص بوده است. کمبود مطالعات در این زمینه و تفاوت بین مسکن شهری و روستایی، تحقیقات در حوزه شناخت ویژگی های مسکن روستایی و بومی را اهمیت خاصی بخشیده است (علی الحسابی، ۱۳۸۵، ص ۹۹). پاسخگویی به این حجم انبوه نیاز به مسکن و ضرورت انطباق آن با خواسته های جامعه روستایی، مشارکت و توجه هرچه بیشتر متخصصان و دست اندرکاران مسائل روستایی را الزامی ساخته است. به عنوان موضوعی اساسی، باید اشاره کرد که هرگونه سیاست گذاری و برنامه ریزی مسکن روستایی در کشور هنگامی می تواند توفیق یابد که طرح ها و اقدامات با ویژگی ها و مختصات معماری روستایی و سنت های قومی و فرهنگی و تنوع اقلیمی موجود در مناطق مختلف کشور منطبق باشد. در غیر این صورت، آنچه پیش رو خواهیم داشت، یکسان سازی در تمام اقلیم های ایران، بدون توجه به مصالح بوم آورد و سیمای روستایی و اقلیم ها و فرهنگ های گوناگون مناطق ایران است (حسینی و دیگران، ۱۳۸۷، صص ۲-۱). از مهم ترین دلایل انتخاب این منطقه به اعتبار درونی، نزدیک بودن این روستا به شهرستان گرگان و مهاجرپذیر بودن این روستا به صورت فصلی و هفتگی است. هجوم شهرنشینان به هنگام تابستان و تعطیلات آخر هفته و رواج ویلاسازی، نه تنها به رشد و توسعه روستا کمکی نکرده بلکه تهدیدی برای بافت و ساختار معماری بومی روستایی منطقه است. در نهایت هم، چهره روستاها به سرعت دستخوش تغییر شده و یکپارچگی بافت روستایی مخدوش گشته است. از منظر دیگر، معماری روستای زیارت تاریخ و سابقه ای چند صد ساله دارد که ثبت این آثار به شناخت و ماندگاری و حفاظت بهتر از میراث بومی منطقه بسیار کمک خواهد کرد. بررسی و دسته بندی مطالعات محیطی، جغرافیایی، جامعه شناختی روستا و ارائه آن ها به صورت توصیه های طراحی و سپس در قالب الگوی طراحی می تواند چهار چوب کلی از رابطه اندام واره ایی و عملکردی خانه روستایی دست دهد که در آن، به معیار جامعه شناختی روستایی و اقلیم نیز توجه شده است. بنابر این ضرورت شناخت شاخصه های تاثیرگذار بر شکل گیری الگوی مسکن بومی روستای زیارت از اهمیت زیادی برخوردار است. در نگارش پژوهش حاضر سعی گردیده است قدمی برداشته شود.

سؤالات پژوهش

پژوهش حاضر روی معماری بومی مسکن روستایی به عنوان مهم ترین عرصه زندگی که تأمین کننده سرپناه انسان ها هستند تمرکز کرده است. با این فرض که با شناخت گونه های معماری و سازه های بومی این خانه ها می توان این نوع معماری را مستند سازی کرد و همچنین در آینده می توان از این نوع معماری در ساخت خانه های مسکونی استفاده کرد. در این مقاله سعی شده به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

چند نوع پلان مسکونی در منطقه وجود دارد و آیا رابطه معناداری بین آن ها وجود دارد؟

مصالح غالب در ساخت و ساز خانه های روستایی کدامند؟

از چه نوع سازه هایی در این مناطق استفاده می شده است؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

مسکن روستایی نتیجه سال ها زحمت، تفکر و تجربه است. مطالعه بر پایه الگوهای بومی ساختاری-کالبدی این مسکن می تواند به طراحی های فضاهایی مناسب با شرایط مناطق مختلف کمک کند. بررسی معماری و بافت سکونتگاه های روستایی تا قبل از دوران معاصر، ویژگی هایی از معماری پایدار را دارا بوده که شناخت و بررسی آن می تواند به حل بعضی مشکلات موجود در بافت، سکونتگاه های روستاها و شهرها کمک کند. «تلاش برای حفظ یا ارتقای ارزش های معماری بومی می تواند به شکل گیری مجموعه ای از روستاهای مطلوب در کشور منجر شود» (سرتیپی پور، ۱۳۷۸).

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ متدولوژی از نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و از نوع مطالعات میدانی-تطبیقی است. در این پژوهش روش های کیفی برای توصیف داده ها، و روش های تحلیلی برای نتیجه گیری از داده های گردآوری شده، به کار رفته است. در ابتدا با بهره گیری از منابع کتابخانه ای، پیشینه پژوهش بررسی گردید و اطلاعات پایه تحقیق گردآوری شد. سپس مطالعات میدانی با بازدید از کالبد منطقه مورد پژوهش، انجام گردید. برای شناخت خصوصیات معماری بومی روستای زیارت، نخست بررسی اقلیمی صورت گرفت. برای بررسی خانه های بومی سندی وجود نداشت، پلان آن ها رولوه شده است. در آغاز اسناد تصویری نمونه های انتخاب شده، برای مقایسه و شناسایی بهتر، در جداولی کنار هم قرار داده شد و نخست به صورت توصیفی بررسی شدند. سپس برای رسیدن به اهداف پژوهش، ویژگی هایی همچون نوع مصالح و ساخت اجزاء و بام، نوع پلان، چگونگی ارتباط بین فضاهای باز، نیمه باز و بسته و روابط عملکردی فضاها (ساختار کارکردی فضاها)، مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفتند. مقاله حاضر به مطالعات پایه و بررسی وضع موجود روستا و عوامل مؤثر بر شکل گیری و استقرار و گسترش بافت روستایی در قالب چهار نظام جغرافیایی-اقلیمی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی می پردازد.

هدف پژوهش

مستند سازی گونه های خانه های بومی این منطقه در پژوهش حاضر سعی شده است ساختمان هایی که بیشتر از ۴۰ سال از ساخت آن ها گذشته است مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و در آن ها به بررسی گونه های ساختمان های بومی از نظر فرم، مصالح، اصول ساخت و ساز و سازه بناهای منطقه مورد مطالعه پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق و چارچوب نظری (مبانی نظری)

مروری بر ادبیات پژوهش

فرانکللی (۲۰۰۶)، در کتاب تحولات مسکن به صورت موردی با مطالعه بردزلی در بیرمنگام تحولات مسکن روستا شهر را مورد بررسی قرار می دهد. نگارنده در این کتاب علاوه بر شرح مفاهیم و مدل ها، تغییرات زمان حال مسکن را در ارتباط با فرهنگ، اقتصاد و شرایط سیاسی بررسی می کند و تولید انواع خانه ها را نه در تحقیق های تجربی بلکه در علایق مصرف کنندگان می داند. بانسکی و وسلوسکا (۲۰۱۰)، تحول در ساخت و ساز مسکن در مناطق روستایی لوپین لهستان، تأثیر منطقه در تعدیل ساختار فضایی و زیبایی چشم انداز را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که، بیشترین ساخت و سازهای جدید مسکن در مناطق روستایی نزدیک شریان اصلی حمل و نقل که به عنوان کمر بند فعالیت های اقتصادی است، شکل می گیرد و سطح توسعه اقتصادی را باعث جدایی مناطق از لحاظ ساخت الگوی مسکن می داند. تورگت (۲۰۰۱)، در تحقیقی با عنوان فرهنگ، تداوم و تغییر: تجزیه و تحلیل ساختار الگوی مسکن در حل و فصل اسکنه، به این نتیجه رسیدند عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فضایی باعث تغییر شکل مسکن می شود یافته های پژوهش نوری و بالک (۲۰۰۳)، نشان می دهد که روستا های کانادا در چند سال اخیر تحت تأثیر فرآیندهای جهانی سازی، شهرنشینی و گسترش تکنولوژی های مدرن قرار گرفته اند که این عوامل به نوبه خود باعث تغییرات اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و روستاها شده است. پورطاهری و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان تحلیل فضایی الگوی مسکن پایدار روستایی، مطالعه موردی: روستاهای استان مازندران، به بررسی و تحلیل فضایی الگوی مسکن پایدار روستاهای استان مازندران در سطح سه تپ روستاهای ساحلی، کوهپایه ای و کوهستانی پرداخته اند. نتایج تحقیق مبین آن است که میانگین میزان توجه به مؤلفه های پایداری مسکن در روستاهای تپ ساحلی در وضعیت مطلوبتری نسبت به روستاهای کوهستانی و کوهپایه ای قرار دارد. بسحاق و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان بررسی و ارزیابی پایداری مسکن روستایی، مطالعه موردی: دهستان ملاوی شهرستان پلدختر نشان دادند که پنج عامل امکانانی-رفاهی، اقتصادی، استحکام بنا، بهره وری و هم سازی با محیط زیست نقش مهمی در پایداری مسکن در مناطق روستایی دهستان ملاوی داشته اند. به طور کلی یافته ها نشان می دهد که پایداری مسکن در مناطق روستایی فقط تحت تأثیر عواملی همچون استحکام بنا یا امکانات نیست، بلکه ترکیبی از عوامل در دستیابی به پایداری مسکن در مناطق روستایی مؤثر هستند. سعیدی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله ای با عنوان مسکن و پیوستگی ساختاری-کارکردی در فضای روستایی پرداخته اند و به این نتیجه دست یافتند که پیش ساختاری-کارکردی حاکم مجموعه عناصر و عوامل دخیل در عرصه های محیطی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی (به نحوی نظام وار تمام روابط و مناسب درونی سکونتگاه های روستایی، از جمله مسکن روستایی را نظم دهی و مشخص می نماید. دیهیمی و نورنقانی (۱۳۹۲)، در پژوهشی تحت عنوان هویت و مسکن بررسی ساز و کار تعامل هویت ساکنین و محیط مسکونی روستایی پرداختند نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که هویت ساکنان در محیط های مسکونی از طریق دو معیار مورد بررسی قرار می گیرد، یکی قابلیت های محیط، که تعاملات بالقوه موجود در محیط را از طریق وجوه کیفی و ابعاد کارآمدی فضا پدید می آورد، دیگری تعاملات ساکنان نسبت به محیط است که از طریق هویت مکانی احساس مالکیت آن ها را نسبت به محیط شان بوجود می آورد. سعیدی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله ای با عنوان نوسازی مسکن و دگرگونی ساختاری-کارکردی خانه های روستایی به این نتیجه دست یافتند که، اجرای طرح بهسازی و نوسازی دگرگونی ساختاری-کارکردی مسکن روستایی را به همراه داشته است و منجر به دگرپرسی در فعالیت های معیشتی خانوارهای روستایی است. قاسمی و رستمعلی زاده (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان اثرات وام مسکن روستایی در تغییرات زندگی روستایی به این نتیجه دست یافتند که، وام مسکن روستایی دارای نقاط قوت و ضعف بوده و تأثیرات کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شیوه زندگی و معیشت روستاییان داشته است. عنابستانی و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله ای تحت عنوان بررسی نقش اعتبارات بر تغییر الگوی مسکن در نواحی روستایی به این نتیجه دست یافتند که، بیشترین اثر گذاری شاخصه های اعتبارات بر تغییر الگوی مسکن در روستاها در بعد طول و زمان دریافت اعتبارات از بنیاد مسکن اسلامی بوده است. سعیدی و احمدی (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان شهرگی و دگرپرسی ساختاری-کارکردی در روستاها پرداختند، نتایج این پژوهش گویای آن است که تحول در سکونتگاه های روستایی به شرط امکان دسترسی بیشتر آنها بوده است. در واقع با گسترش جریان های شهری-روستایی و دسترسی بیشتر روستاییان به شهرها، روستاها و عناصر کالبدی آن ها چون مسکن روستایی دچار تغییر و تحول شده اند. سرتیپی پور (۱۳۸۹)، در مقاله ای تحت عنوان پدیدار شناسی مسکن

روستایی به این نتیجه دست یافت، که فضا جوهره اصلی معماری است. بنابراین کلید فهم خانه روستایی، وابسته به شناخت فضاست و از این طریق است که باید فضای مطلوب و دلنشین برای زندگی روستایی بوجود آورد. زرگر (۱۳۸۸)، در پژوهشی بیان می‌دارد، که کالبد روستا تحت تاثیر عوامل گوناگون جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. هیچکدام از این عوامل به طور مستقل عمل نکرده و در رابطه تاثیر و تاثر متقابل نسبت به یکدیگر قرار دارند. بنیاد مسکن (۱۳۸۶)، در کتاب نمونه هایی از الگوی مسکن روستایی در خصوص عوامل تاثیرگذار بر الگوی خانه های روستایی بیان می‌دارد که، در الگوی مسکن روستایی عواملی همچون اقلیم، ویژگی های جغرافیایی، وضعیت زندگی و معیشت همگی در ساختار فضایی الگوی مسکن روستایی دخیل می‌باشند.

از اینرو در پژوهش حاضر نگارندگان سعی بر آن دارند با توجه به مطالعات صورت گرفته در پیشینه پژوهش به پرداختن گونه شناسی مسکن، از جنبه فرم کالبدی و ساختاری معماری مسکن روستایی مورد مطالعه (روستای زیارت) که شامل مواردی همانند چگونگی ساختار کالبدی مسکن بومی، جهت استقرار، چگونگی استقرار بنا نسبت به کف زمین و چگونگی شیب سقف خانه می‌باشد. موارد دیگری از قبیل عوامل اقلیمی و محیطی مورد بررسی و تاکید قرار گرفته است.

تعاریف و مفاهیم پایه

قبل از پرداختن به مباحث نظری و ادبیات موضوع، لازم است ابتدا به تعریف و مفهوم برخی از کلمات و عبارات کلیدی پژوهش پرداخته شود، از جمله:

روستا^۴

روستا به عنوان یک مجتمع زیستی و جلوه گاه بروز خارجی حیات اجتماعی انسان قابل طرح است. به عبارت دیگر ظهور روستا هم ارز با شکل گیری سکونت و به دنبال آن شکل گیری مجتمع های زیستی است. واژه روستا در ادبیات مرتبط با آن به گونه های مختلفی تعریف شده است. روستا در فرهنگ معین معادل رستاک در زبان پهلوی و معرب آن رستاق، رسدق و یا رزداق می‌باشد و هم ارز ده و قریه تعبیر شده است؛ همچنین می‌توان بیان داشت که روستا نقطه سکونتی کوچک با اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و منابع طبیعی نیز تعریف شده است.

معماری روستایی^۵

معماری روستایی از سنت های عامیانه سرچشمه می‌گیرد که در بطن یک ملت و فرهنگ و به طور ناخودآگاهی وجود دارد و بیانگر آمال و آرزوهای آن هاست و در رابطه با زندگی و در قالب این سنت های ادراکی از جهان با یک نگاه آغازین است. این نوع معماری مجموعه متنوعی از ابنیه و سکونت گاه ها را در بر می‌گیرد که سرزمین ایران با توجه به تنوع جغرافیایی، اقلیمی و گوناگونی فرهنگی در هر روستا ریخت ویژه ای دارد. اساسی ترین تفاوت معماری روستایی با معماری شهری آمیختگی تولید و معیشت و زندگی در خانه روستایی است (سرتیپی پور، ۱۳۸۸).

مسکن روستایی^۶

ایران کشوری «نیمه روستایی» بوده و نیمی از سکونتگاه های آن بر مبنای معماری بومی، سنتی و به مفهومی گویاتر، معماری روستایی شکل گرفته است. این شکل از معماری سنتی، از سنت عامیانه سرچشمه می‌گیرد و سنت عامیانه، همان سنت بلاواسطه و ناخودآگاهی است که در بطن یک فرهنگ مردمی جریان دارد و از نیازها، خواسته ها و آرمان های آنها تأثیر می‌پذیرد. تاروپود این معماری و از جمله مسکن، با مسائل مربوط به محیط طبیعی، نوع معیشت و شکل تولید، سیر تکوینی زندگی اجتماعی و قدرت فنی پیوند خورده است (زرگر، ۹: ۱۳۸۸). در نواحی روستایی مسکن علاوه بر سرپناه بودن دارای کارکردهای دیگری مانند محل نگهداری دام، انبار محصولات تولید شده و مکانی برای فعالیت های اقتصادی است (جمشیدی، ۷۹: ۱۳۹۴). در روستا به دلیل سنتی بودن جامعه، شکل مسکن به منزله الگو، مورد قبول همگان است و از نظر مصالح ساخت، شکل و آرایش قسمت های مختلف، تحت شرایط جغرافیایی محیط خود قرار می‌گیرد و ضامن تداوم معماری سنتی و بومی است (زرگر، ۹: ۱۳۸۸). مسکن روستایی، مصداق بارزی از معماری ارگانیک، ابتدای تولد و در روند رشد و تکوین خود متأثر از عوامل مختلف طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، جهان بینی و ادراک زیباشناسی ساکنان آن، طراحی و ساخته شده است و به منظور خلق و ایجاد آن، نمی‌توان همچون طراحی دیگر فضاهای معماری، تنها در قالب نقشه های تک بعدی و دو بعدی مواجه شد چراکه آنچه بر روی صفحه نقش می‌بندد تنها تجسم و ترسیم آنی و لحظه ای از جزء گونه کل واقعیت است (خدابنده لو و خرمشاهی، ۲۶: ۱۳۸۷). مسکن روستایی فضایی است که به عنوان مکانی برای استراحت، به دست آوردن آرامش روانی، محل تربیت فرزندان و فضایی برای انجام کارهای اقتصادی است. «مسکن روستایی به عنوان کانون متمرکز و تبلور کالبدی ارزش های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی حاکم بر زندگی روستایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است» (فاتح، ۱۳۸۹: ۱۲۳) و همچنین «مسکن از نظر مصالح ساخت و آرایش قسمت های مختلف، تحت شرایط جغرافیایی محیط خود قرار می‌گیرند و به سبب انعکاس این تأثیر از اهمیت جغرافیایی برخوردار می‌شوند. مساکنی که بیشترین تطبیق را با محیط جغرافیایی داشته و تأثیرات محیط خود را به خوبی منعکس می‌کنند مسکن روستایی می‌باشند» (ظاهری، ۱۳۷۴).

گونه شناسی^۷

از نظر جان لنگ^۸: «گونه شناسی دسته بندی نمونه ها بر طبق عملکردی است که در خود جای می‌دهند. طرح های محیط و منظر، ساختمان ها و طرح های شهری می‌توانند بر طبق مقاصد مشترک یا ساختار و فرم دسته بندی شوند» (۷۰-۶۹: ۱۳۹۱، لنگ). همچنین سلطانی در مقاله‌ای با عنوان تطبیق نقش الگو و مفاهیم مبتنی بر تجربه در فضای معماری گونه شناسی را این طور تعریف کرده است: «گونه ها و گونه شناسی تنها راهی برای طبقه بندی و شناخت بهتر واقعیات

⁴ Village

⁵ Rural Architecture

⁶ Rural Housing

⁷ Typology

⁸ John Lange

محیط هستند و تنها می‌توانند در تفسیر و شناخت الگو ایفای نقش کنند. لذا گونه‌شناسی این قابلیت را ندارد که همچون الگو در فرایند تبدیل مفاهیم به عینیات و مصادیق بکار گرفته شود. (سلطانی، ۱۰: ۱۳۹۱) و در پژوهش حاضر سعی بر آن است که مسکن روستایی از نظر معماری و تیپولوژی دسته بندی شوند.

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسکن روستایی

در شکل‌گیری ساختار روستا و مسکن روستایی، آب و هوا و شرایط اقلیمی به صورت مسلط و جبری، نظام اجتماعی، منظر عمومی، اقتصاد و مذهب از عوامل تأثیرگذار است اما هیچ کدام از این عوامل به طور مستقل عمل نکرده و در رابطه تأثیر و تأثر متقابل نسبت به یکدیگر قرار دارند (زرگر، ۳۱: ۱۳۸۸). شکل‌شناسی زمین، اقتصاد مبتنی بر معیشت، عوامل اقلیمی، موقعیت اجتماعی و فرهنگی مردم از مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری مسکن روستایی است (هاشم نژاد و مولایی، ۲۰: ۱۳۸۷). در برخی از مطالعات عوامل طبیعی، اجتماعی و اقتصادی به عنوان سه عامل اصلی تأثیرگذار بر مسکن روستایی شناخته شده است (احمدیان و همکاران، ۱۸: ۱۳۸۷). همچنین از وجوه اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، فرهنگی و کالبدی به عنوان عوامل مؤثر در شکل‌گیری مسکن روستایی یاد شده است (زرگر و حاتمی، ۵۰: ۱۳۹۳). عوامل اجتماعی و فرهنگی از دیدگاه پژوهشگران یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری سکونتگاه‌ها است. برخی از محققان معتقدند، فرهنگ انسانی، عاملی تعیین‌کننده در فعالیت‌های انسانی است و چهره‌های جغرافیایی مکان‌ها، انعکاسی از پایگاه‌های فرهنگی است. طرفداران این مکتب، عملکرد شرایط طبیعی را در مکان‌های جغرافیایی، عاملی فرعی به حساب می‌آورند و از نظر آنها، عوامل یکسان و یکنواخت طبیعی، در کانون‌های مختلف فرهنگی به اشکال گوناگون تجلی می‌کند (شکویی، ۷۰-۷۹: ۱۳۸۹). باید توجه داشت که انسجام کالبدی سکونتگاه‌های انسانی، به تبع انتظام اجتماعی شکل می‌گیرد (شولتز، ۱۱: ۱۳۸۱). و فرایندهای فرهنگی مختلف، بر سطوح متفاوت مکان و محیط مسکونی تأثیر می‌گذارد (پورطاهری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۲۲). درواقع مورفولوژی و الگوهای فضایی معماری روستا، به تدریج در راستای برآورد نیازهای اجتماعی-فرهنگی ساکنان و در تعامل با محیط فیزیکی اطراف، ایجاد شده است (شولتز، ۱۱: ۱۳۸۱). اقتصاد و معیشت از دیگر عوامل مؤثر در شکل‌گیری سکونتگاه‌های روستایی است. مسکن در روستاها علاوه بر پاسخگویی به نیاز سکونت، تأمین امنیت و حریم خانوار، حلقه‌ای از نظام تولیدی روستا را نیز در برمی‌گیرد و به گونه‌ای متقابل با آن پیوند می‌خورد (سرتیپی پور، ۵۲: ۱۳۸۴). اصولاً خانه روستایی در محیطی استقرار می‌یافت که ساکنین آن، بستر زندگی و تولید را در ارتباطی تنگاتنگ با طبیعت و محیط پیرامون فراهم می‌کردند و به همین سبب است که بیشتر این خانه‌ها از دو بخش اصلی با کارکرد زیستی و معیشتی، در ارتباطی دائمی و دو سویه، برخوردار بوده‌اند (زرگر و همکاران، ۱: ۱۳۹۴). در این نواحی مسکن فقط محل سکونت و آرامش افراد نبوده بلکه به نوع کارکرد اقتصادی خانواده، محل نگهداری و پرورش دام و طیور، تولی د فراورده‌های دامی، کارگاه صنایع دستی و محصولات کشاورزی است (امیری، ۹۱: ۱۳۹۳). به بیان دیگر مسکن روستایی در کنار نقش استراحتگاهی و مامن خانوادگی، نقش‌های تولیدی، معیشتی، انباری و کارگاهی را نیز بر عهده دارد (عسگری و همکاران، ۱۷۹: ۱۳۹۴). درواقع اساسی‌ترین تفاوت مسکن روستایی با شهری، آمیختگی تولید و معیشت و زندگی در خانه روستایی است (مرادی اسطخ، ۳۸۵: ۱۳۹۴). عوامل محیطی و اقلیمی از دیگر عوامل مؤثر در شکل‌گیری سکونتگاه‌های روستایی است. عامل آب و هوا، در عوامل سازنده‌ی محیط‌های جغرافیایی تأثیری مستقیم دارد، به طوری که در تشکیل انواع خاک، پوشش گیاهی، جریان آب و همچنین ساخت بخشی از چهره‌های طبیعی زمین، نظیر ناهمواری‌ها و سواحل مؤثر است. بر این اساس، کسانی که با این رویکرد، به مطالعات جغرافیایی انسانی می‌پردازند، به طور گسترده‌ای نقش مسلط و جبری آب و هوا، شرایط اقلیمی و مواد اولیه‌ای را در پیدایش سکونتگاه‌ها می‌پذیرند و بر آن تأکید دارند (شکویی، ۸: ۱۳۸۹). نقش عوامل محیطی هم در الگوی ترکیب مصالح ساختمانی و هم اندازه و ابعاد فضایی مسکن در روستا تعیین‌کننده است (بدری و موسوی، ۵: ۱۳۸۹). برپایی خانه روستایی، اغلب وابستگی بسیاری به بستری دارد که در آن شکل می‌گیرد، شرایط اقلیمی، ویژگی‌های محیط طبیعی، سنت‌های غالب، اصول فرهنگی، نوع و شکل روابط اجتماعی بر کالبد خانه روستایی تأثیرگذار است (علی‌الحسابی و راهب، ۶۹: ۱۳۸۷). درواقع ساختار معماری محیط‌های روستایی، برآیند فعالیت‌های انسانی است که در طول قرن‌ها، مطابق با شرایط اجتماعی و محیطی شکل گرفته است (شولتز، ۱۱: ۱۳۸۱). همانطور که اشاره شد صاحب‌نظران عوامل مختلفی را در شکل‌گیری مسکن روستایی مؤثر می‌دانند که می‌توان این عوامل را در قالب زیر طبقه‌بندی نمود (جدول ۱).

جدول شماره (۱): عوامل مؤثر در شکل‌گیری مسکن روستایی از دیدگاه صاحب‌نظران (مأخذ: نگارندگان).

عوامل مؤثر در مسکن روستایی	پژوهشگران
اجتماعی- فرهنگی	(زرگر، ۱۳۸۸)، (هاشم نژاد و مولایی، ۱۳۸۷)، (احمدیان و همکاران، ۱۳۸۷)، (زرگر و همکاران، ۱۳۹۳)، (شکویی، ۱۳۸۹)، (پورطاهری و دیگران، ۱۳۹۰)، (شولتز، ۱۳۸۱).
اقتصادی- معیشتی	(زرگر، ۱۳۸۸)، (هاشم نژاد و مولایی، ۱۳۸۷)، (احمدیان و همکاران، ۱۳۸۷)، (زرگر و همکاران، ۱۳۹۳)، (سرتیپی پور، ۱۳۸۴)، (زرگر، ۱۳۹۴)، (عسگری، ۱۳۹۴)، (امیری، ۱۳۹۳)، (مرادی اسطخ، ۱۳۹۴).
محیطی- اقلیمی	(زرگر، ۱۳۸۸)، (هاشم نژاد و مولایی، ۱۳۸۷)، (احمدیان و همکاران، ۱۳۸۷)، (زرگر و همکاران، ۱۳۹۳)، (شکویی، ۱۳۸۹)، (بدری و موسوی، ۱۳۸۹)، (علی‌الحسابی و راهب، ۱۳۸۷)، (شولتز، ۱۳۸۱).

ویژگی‌های عام معماری روستایی در ایران

معماری سنتی روستایی از سنت‌های عامیانه سرچشمه می‌گیرد که در بطن یک ملت و فرهنگ به طور ناخودآگاهی وجود دارد و بیانگر آمل و آرزوهای آنهاست. معماری ساده روستایی در رابطه با زندگی و در قالب این سنت‌های ادراکی از جهان با یک نگاه آغازین است. معماری سنتی روستایی ایران مجموعه‌ای بسیار متنوع است. بررسی علل و ریشه‌های این گوناگونی مستلزم مطالعات وسیع است. معماری روستایی ایران مجموعه‌متنوعی از ابنیه و سکونتگاه‌ها را در برمی‌گیرد. در سرزمین ایران با تنوع جغرافیایی و اقلیمی و گوناگونی فرهنگی، در هر مکان، روستاها ریخت ویژه‌ای دارند. گاهی خانه‌ها پراکنده و جدای از یکدیگر و گاه به هم تپیده. بام‌خانه‌ها در جایی تیرپوش است و مستوی و در جای دیگر شیب دار و در بعضی مناطق دیگر گنبدی شکل و منحنی می‌باشد. در مطالب زیر به بررسی اصولی می‌پردازیم که در معماری غالب روستاهای ایران قابل مشاهده است چو اینکه این اصول می‌توانند از نظر کمی و کیفی در تعامل دیگری گسترش یابند.

- استفاده از مصالح بوم‌آورد: برای برپا کردن ساختمان در هر جا اصل بر این است که از مواد و مصالح ساختمانی که در طبیعت اطراف به وفور یافت می‌شود استفاده شود. در کنار هور و مرداب از نی و بردی، در حاشیه جنگل از چوب و در بیابانها از گل و در کوهستانها از سنگ بهره‌گیری می‌شود.

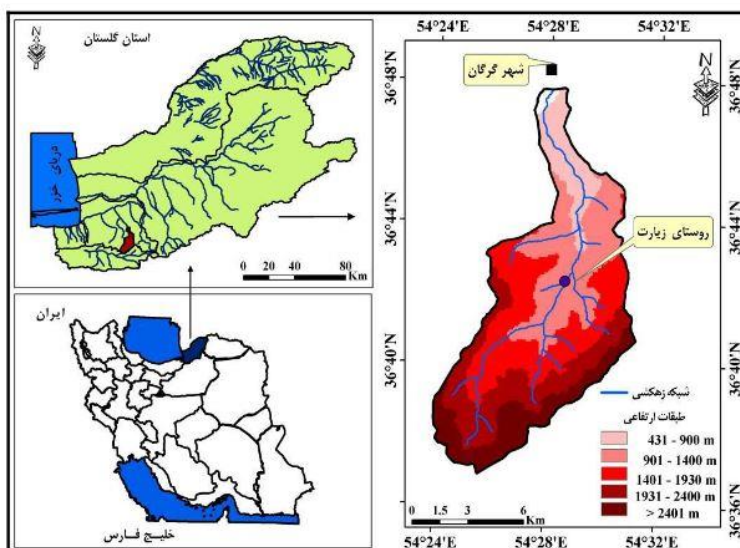
- **نقش فعال خانواده در ساختمان سازی:** در روستاها خانه ها اغلب به دست اعضای خانواده ساخته می‌شود. گاهی اوقات همسایه ها و خویشاوندان نیز موقتاً به همکاری خوانده می‌شوند و دست به دست یکدیگر می‌دهند و خانه را برپا می‌کنند. اگر اجرای کار پیچیده باشد برای اجرای قسمتی از ساختمان، مثلاً پوشش ضربی اتاق‌ها از استادکار کمک گرفته می‌شود.
- **شناخت خواص مواد و مصالح ساختمانی:** این ویژگی پشتوانه نقش مثبت و استقلال نسبی روستاییان در ساختمان سازی دهات است. مشاهدات و بررسی های مکرر، نشان می‌دهد که روستاییان در مورد قابلیت مواد بومی شناخت دقیقی دارند. بریدن نی از مرداب زمان خاصی دارد و کاربرد آن در بنا نیز چنین است. معرفت روستاییان از طریق انباشت تجربه نسل‌های متعدد به ابعاد و اندازه های مناسب برای اجزاء ساختمان نیز تسری یافته است. فاصله تیرهای سقف با یکدیگر و رابطه آن با قطر تیر چوبی - کلفتی دیوار و جرز و امثال آن نیز در زمره آگاهی روستاییان از خواص مصالح است. وجه دیگر این شناخت کاربرد بجای هر مصالح در بنا است. سنگ را در مجاورت زمین و رطوبت و گل را در جای خشک و کاه را به عنوان عنصر کششی مخلوط با گل و امثال آن بکار می‌برند.
- **سهولت تعمیر و نگهداری:** تعمیر و یا تعویض کاهگل بام، کولش بام شیب دار و یا تعمیر قسمت های فرسوده دیوار گلی که در مجاورت رطوبت سطحی قرار دارد و یا از رطوبت بالارونده صدمه دیده است به سهولت انجام می‌شود. با استفاده از قدری گل یا کاهگل نه تنها مواد و مصالح لازم برای تعمیر بنا در دسترس است بلکه کار تعمیر نیز توسط اعضا خانواده و یا افراد بومی به سهولت انجام می‌گیرد.
- **سرپناه ارزان:** وقتی مصالح ساختمان بوم آورد باشند و نیروی کار سازنده ساختمان نیز افراد خانواده و همسایگان باشد ارزان تمام شدن ساختمان نتیجه منطقی آن است. خیلی از مواقع در و پنجره را به ناچار از شهر و یا از کارگاه مربوطه خارج و یا داخل ده خریداری می‌کنند.
- **سادگی و پرهیز از بیهودگی:** اگرچه روستاها نیز در معرض هجوم نقشه های اصطلاحاً شهری که مطابقتی با زندگی سنتی روستایی ندارند قرار گرفته اند، ولی اساساً خانه روستایی ساده است. سادگی در طرح خانه و ترکیب فضاهای خانه وجود دارد. شکل کلی خانه روستایی همانند طبیعت اطراف آن ساده است. هر چند یکجا خانه چند اطاق جدای از هم است مانند خوزستان و جای دیگر مجموعه فضاها به یکدیگر چسبیده اند و دسترسی از درون دارند مثل روستاهای خدابنده و زنجان.
- **مردم واری (تناسبات انسانی):** اندازه فضا در خانه های روستایی متناسب با ابعاد انسانی است. انعطاف انسان روستایی زیاد است. به همین خاطر ممکن است پله های ظاهراً غیرمتعارف در شهر در ده دیده شود و یا ارتفاع در طولیه برای صاحب خانه کوتاه باشد و هر بار ناچار به دولا شدن برای ورود به آن باشد. اجزا خانه مثل پلکان - ایوان - تنورخانه و غیره فقط به اندازه حداقل لازم متناسب با کارکرد خود شکل می‌گیرند و از تکلف و افزونی ابعاد و اندازه ها و تلقین ابهت کاذب خودداری می‌شود.
- **انعطاف پذیری و خلاقیت:** در خیلی از روستاها واحدهای ساختمانی یا خانه ها ضمن داشتن مشابهت های زیادی عین هم نیستند. فرق خانه‌ها گاه در موقعیت زمین و یا اندازه آن است. گاهی شکل زمین ها متفاوت است و گاه شیب و ناهمواری های آن. معماری روستا به گونه‌ای است که به راحتی خود را با این شرایط ویژه همساز می‌کند. قابلیت انعطاف‌پذیری تنها در فرم ها و اشکال نیست، بلکه در نحوه ترکیب فضاها، در اندازه، در هندسه و... حضور پیدا می‌کند. راه یابی برای موارد خاص و یافتن پاسخ برای نیازهای خانواده در شرایط ویژه در تمامی سطوح و مراحل از فراهم آوردن مصالح و آماده‌سازی آن تا طرح و ساخت بنا همگی گویای میزان بالای خلاقیت است.
- **زیبایی فطری:** اگر ادعا کنیم که در نگاه بیننده منظر همه روستاها و یا همه چشم اندازهای آن‌ها زیبا است، سخن به گزافه گفته نشده است. در جاهایی کار طرح و ساخت روستا از چنان ویژگی‌هایی برخوردار است که بیننده خارجی را چه عوام باشد و یا متخصص به تحسین و امید دارد، چنان که در روستاهای نامی ایران مثل ابیانه و ماسوله چنین است. دلیلی ندارد آن دستی که با زدن هزاران گره طرحی رنگین را به صورت فرش و گلیم می‌بافد در برخورد با فضا و پدیده سه بعدی معماری و اماند. سلیقه و ذوق فطری و نالوده روستایی در بسیاری از مواقع در معماری بومی و سنتی دهات ایران تجلی می‌یابد.
- **هندسه در معماری:** غالباً انتظار نمی‌رود که معماری به ظاهر نا به سامان دهات دارای هندسه خاصی باشد. باید اذعان کنیم که این وجه از وجوه معماری روستایی ایران نیاز به تامل بیشتری دارد. با این حال بعضی نشانه‌ها در دست است که نوعی هندسه در معماری خانه روستایی یا دیگر بناهای آن رعایت می‌شود. مدولاسیون یا پیمون که در شمال به گونه ای است و گاه به «تبردم» از آن تعبیر می‌شود با آنچه در ناحیه بیابانی است متفاوت است.

قلمرو مکانی تحقیق

ویژگی جغرافیایی منطقه

روستای زیارت به لحاظ موقعیت مطلق جغرافیایی در محدوده ای با مختصات بین ۳۶ درجه، ۴۳ دقیقه و ۵۰ ثانیه عرض شمالی، ۵۴ درجه، ۲۹ دقیقه و ۱۱ ثانیه طول شرقی تا ۳۶ درجه ۴۲ دقیقه و ۱۷ ثانیه عرض شمالی و ۵۴ درجه، ۲۸ دقیقه و ۱۹ ثانیه طول شرقی قرار گرفته است. ارتفاع متوسط اراضی آن از سطح دریا ۸۷۰ متر تا ۱۱۹۰ متر متغیر می‌باشد. روستای زیارت در مرکز بخش مرکزی و در غرب دهستان استرآباد جنوبی در شهرستان گرگان واقع شده است. فاصله این روستا از مرکز شهرستان و بخش (گرگان) برابر با ۱۵ کیلومتر و از مرکز دهستان (جلین علیا) برابر با ۲۵ کیلومتر می‌باشد. محدوده عرفی روستای زیارت از شمال به محور ناهارخوران شهر گرگان، از جنوب به قله تلمبار و از شرق و غرب به ارتفاعات جنگلی هزار مینجه و سفید آب محدود می‌شود آب و هوای خنک و مطلوب، طبیعت زیبا و باصفا، وجود آب گرم و آبشار معروف زیارت و دیگر جاذبه های این منطقه، روستای زیارت را به یکی از محبوب ترین جاذبه های گردشگری استان گلستان تبدیل کرده است. این روستا گالش نشین است اما گالش ها در این منطقه در حال ترک سبک زندگی گله داری سنتی و مقیم شدن و اشتغال به کارهای کشاورزی و ساخت و ساز هستند. از اماکن دیدنی این روستا می‌توان به آبشارهای آن، چشمه آبگرم، امامزاده و همچنین بافت قدیمی روستا نام برد. از نکات جالب در مورد این روستا، میانگین عمر بالای مردم آن است که علت آن نیز زندگی طبیعی و استفاده از مواد غذایی جنگلی است. همانگونه که گفته شد روستای زیارت در میان ارتفاعات چشم نوازی قرار دارد که می‌تواند آنها را مقصدی برای کوهنوردی قرار دهد. زیارت در میانه یکی از راه های قدیمی و محل اتصال شاهرود

و فلات مرکزی ایران به دریای خزر قرار دارد. این مسیر در گذشته توسط مسافران مورد استفاده قرار می گرفت اما با احداث جاده های جدید متروکه شده و کوهنوردان از آن استفاده می کنند تا به ارتفاعات برسند.



تصویر شماره (۱): محدوده مورد مطالعه و موقعیت مکانی مسکن بومی نمونه مطالعاتی

شرح یافته های پایه: بازشناسی اصول و معیارها

مشخصات اقلیمی و نقش آن در طراحی مسکن بومی روستای زیارت شهرستان گرگان

بر اساس تقسیمات چهارگانه اقلیم ایران که توسط دکتر حسن گنجی پیشنهاد شده است و در واقع صورت تغییر یافته تقسیم بندی کوپن می باشد، شهرستان گرگان واقع در استان گلستان در حوزه اقلیم معتدل و مرطوب سواحل دریای خزر و روستای زیارت در اقلیم کوهستانی قرار می گیرد (Kasmai, 2006, p. 83). ناهمواری های این استان را می توان به سه ناحیه تقسیم کرد که این سه ناحیه، سه خرده اقلیم مشخص را به وجود می آورند. نخست: دشت گرگان (ناحیه جلگه ای) که به لحاظ اقلیمی دارای زمستان های سرد و تابستان های گرم و بسیار مرطوب است. دوم: ناحیه کوهپایه ای که بیشتر در جنوب و شرق استان و در پای ارتفاعات قرار دارد و به لحاظ اقلیمی این منطقه از اعتدال هوای بیشتری برخوردار است و آب و هوای معتدل و مرطوب دارد. سوم: ناحیه کوهستانی که در ادامه رشته کوه های البرز شرقی است که از غرب به شرق امتداد دارد و به تدریج به سوی شمال شرقی متمایل شده است (Shabani, 2006, p. 3). در زمستان به واسطه جریان بادهای سیبری در کوهستان، تراکم ابرها و مقدار برف و باران در این حوزه اقلیمی بیشتر بوده و هوا بسیار سرد و در تابستان معتدل و فرح انگیز است (Almusaed, 2011). شکل گیری فرم، پلان و جهت گیری در خانه های بومی به شدت تحت تأثیر عوامل طبیعی بوده است. عوامل طراحی مؤثر در این زمینه عبارتند از فرم کم عرض، کشیدگی و قرارگیری پلان به صورتی که هوای مطلوب توسط مسیری مشخص از سمت بادخیز به سمت دیگر هدایت شود، قرارگیری بازشوها در دو سمت مخالف برای تهویه دو طرفه مؤثر و پنجره ها باید در ضمن داشتن قابلیت باز شدن، امکان کنترل وزش باد را نیز بدهند (Smith, 2005, p. 138). قابلیت انعکاس سطح زمین و سطوح اتاق، شکل اتاق و جزئیات طراحی پنجره نیز عوامل مؤثر در شدت و پخش نور می باشند. سایه اندازی عاملی اساسی در طراحی ساختمان می باشد که برای کم کردن گرمای خورشید جذب شده توسط اتاق، برای ممانعت کردن از تابش نور خورشید بر ساکنین و برای کاستن از درخشندگی زیاد کاربرد دارد. در این زمینه، جهت یابی، زاویه و شیب پنجره ها، مقدار منع پذیرش نور توسط پنجره ها و مقدار قابلیت انعکاس سطوح اطراف پنجره ها مؤثر می باشند (Baker and Steemers, 2005). شهر گرگان آب و هوای معتدل دارد، هر چند در تابستان نسبتاً گرم و شرجی است. میانگین بیشینه دمای سالانه در گرگان ۲۲٫۹ درجه سلسیوس و کمینه آن ۱۲٫۷ درجه سلسیوس است. سردترین ماه سال ژانویه و گرمترین آن ژوئیه است. میانگین بارش سالانه در شهر گرگان ۵۸۳٫۸ میلی متر است. میانگین بیشینه رطوبت نسبی ۸۵٪ و کمینه رطوبت نسبی ۵۳٪ است. باد در گرگان غالباً از غرب و جنوب غرب می وزد و میانگین سرعت آن ۲٫۴ نات است. شهر گرگان سالانه به طور میانگین ۱۴٫۴ روز یخبندان دارد.

بافت روستا

بافت روستا تقریباً متمرکز و به صورت پلکانی و کوچه ها به صورت مارپیچ به دلیل کوهستانی بودن و عرض خیابان های اصلی ۸ الی ۱۰ متر و کوچه های ۴ الی ۶ متر که به صورت سنگ فرش می باشد و مابقی کوچه ها به صورت خاکی می باشد. اکثر سکونتگاه ها به صورت دو طبقه که طبقه اول محل نگهداری دام و علوفه و طبقه دوم مسکونی نیز می باشد و یکی از ویژگی های این سکونتگاه ها ارتباط مستقیم از داخل منزل به طبقه اول می باشد. پی ریزی این بناها به صورت نواری با ستون های چوبی و کف تخته کوبی شده و دیوارهایی از جنس شاخ و برگ درختان که با گل روی آنها پوشیده شده سقف این بناها شیروانی به دلیل بارش برف و باران زیاد و نمای اصلی این بناها جنوبی می باشد و درو پنجره این بنا ها چوبی و مثبت کاری شده می باشد به طور کلی جنس مواد و مصالح به صورت بوم آورد می باشند و بنا های تازه تاسیس با مواد و مصالح صنعتی و به حالت خانه های شهری نیز ساخته می شوند. از کل سکونت گاه های قدیمی و با ارزش این روستا تقریباً به میزان چهل درصد باقی مانده است. از جمله بافت قدیمی روستا می توان به امام زاده که تخریب شده و به صورت تازه تاسیس بنا شده و امام زاده صالح و امام زاده بابا قنبر و حمام عمومی و بخشی از خانه های روستا نیز اشاره کرد.

گونه‌شناسی مسکن روستا

خصوصیات کلی مسکن بومی روستای زیارت

به طور مختصر اصول رعایت شده در معماری بومی این منطقه را می‌توان به صورت جدول شماره ۲ که چهارچوب آن برگرفته از جدول آقای فاتح است (فاتح، ۹۷: ۱۳۸۹)، نشان داد. با توجه به اطلاعات و مشاهدات به دست آمده، ساختمان‌های موجود با در نظر گرفتن اقلیم و جغرافیا، دارای خصوصیات در فرم کلی معماری خانه‌های بومی منطقه مورد مطالعه عبارتند از:

جدول شماره (۲): اصول رعایت شده در معماری بومی. منبع: نگارندگان.

نوع اقلیم	نوع مصالح	نوع پلان	نوع بام	جهت استقرار	نحوه ارتباط ساختمان به زمین	سطح و تعداد پنجره	میزان استفاده از تهویه طبیعی	بافت مجموعه
کوهستانی	ظرفیت حرارتی بالا	خطی	شیب دار	شرق تا غرب	روی پایه‌ها	کم	متوسط	نیمه متمرکز

مسکن روستایی این حوزه از دو دیدگاه مورد تحلیل قرار گرفته است:

(الف) ارزیابی الگوی فضایی- عملکردی: با توجه به عملکرد فضاها، معیشت خانواده و وضعیت اجتماعی- فرهنگی ساکنان گونه‌شناسی شان، ویژگی‌های کالبدی مسکن‌های منتخب، به صورت کمی ذکر می‌شود.

(ب) ارزیابی الگوی اقلیمی: با در نظر گرفتن ویژگی‌های اقلیمی از جمله نور، باد غالب، نوع خاک، شیب زمین ویژگی‌های کالبدی مسکن‌های منتخب به صورت کمی در این پژوهش مشاهده می‌شود. مهم‌ترین ویژگی معماری بومی روستای زیارت را می‌توان بدین شرح خلاصه کرد: هماهنگی بافت و شکل‌گیری آن بر اساس زمین، ساماندهی بجا و بهینه فضاها، گوناگون مسکن روستایی، با توجه به معیشت خانواده، عوامل اقلیمی و وضعیت اجتماعی و فرهنگی مردم.

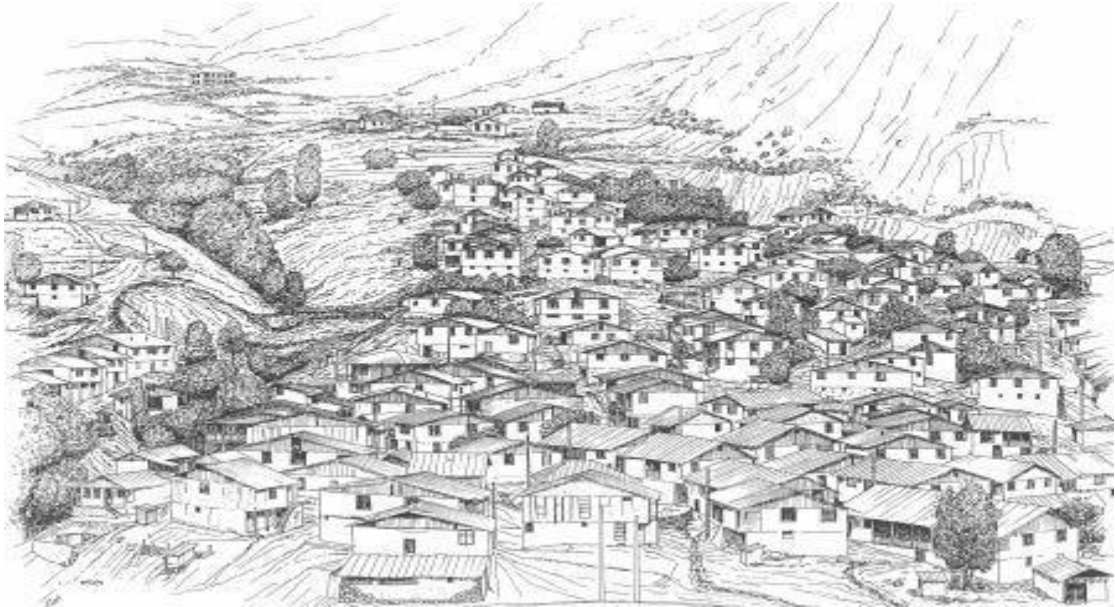
(الف) ارزیابی الگوی فضایی- عملکردی

- بیشتر خانه‌هایی که دارای فضای دامی هستند، دو یا سه ورودی دارند و ورودی دام و انسان غالباً از هم مجزاست.
- تقریباً نیمی از بناهای روستایی دوطبقه‌اند و نیمی دیگر یک طبقه.
- در حدود یک سوم خانه‌ها فاقد فضای مستقل آشپزخانه‌اند و عملکرد پخت و پز در داخل فضای زیستی صورت می‌گیرد. حدود یک پنجم خانه‌ها، دسترسی شان به فضای آشپزخانه، بیرون از فضای زیستی و با واسطه ایوان یا حیاط است. در دیگر خانه‌ها که حدود نیمی از کل موارد بررسی را در بر می‌گیرند، فضای مستقل آشپزخانه در داخل بنا و در مجاورت نشیمن و دیگر فضاهای زیستی جای گرفته است.
- در هیچ یک از خانه‌ها میان فضای نگهداری دام و فضای زندگی، تداخلی از نظر عملکردی وجود ندارد. در اکثر خانه‌ها بین دو فضا کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و از طریق حیاط یا معبر و غالباً با اختلاف ارتفاع از هم فاصله گرفته‌اند. در بسیاری از موارد نه تنها ورودی مجزاست، بلکه دسترسی از طریق معبر نیز امکان پذیر است.
- فضاهای نشیمن، ایوان، انبار یا پستو اصلی‌ترین فضاهای عملکردی در بخش زیستی‌اند؛ درحالی‌که فضای مستقل خواب در ۸۰ درصد خانه‌ها وجود ندارد. اتاق نشیمن غالباً چند عملکردی است و اصلی‌ترین فضای بنا را تشکیل می‌دهد.
- فضای انبار (ته‌خانه) با کاربری‌های نگهداری هیزم، کاه و علوفه، محصولات کشاورزی و نظایر اینها در ۸۰ درصد خانه‌ها وجود دارد. انبار آذوقه و ابزار در طبقه همکف واحدها قرار می‌گرفتند.
- فضاهای اقامتی در طبقه اول و یا طبقه دوم واقع می‌شده‌اند.
- سرویس‌های بهداشتی و تنور در محوطه حیاط جای دارد.
- در اکثر موارد بررسی شده خانه‌ها دارای طاقچه‌اند که هم برای تزئین به کار می‌رود و هم برای قرار دادن لوازم و نیز سبک کردن بار دیوارهای باربر و نظایر اینها.
- نحوه قرارگیری در جلوگیری از نفوذ رطوبت زمین و ارتفاع دهی به فضاهای زیستی، جهت بهره‌وری بیشتر از باد مناسب و تهویه بهتر در فصول گرم تأثیر زیادی دارد.

(ب) ارزیابی الگوی اقلیمی

- کشیدگی غالب خانه‌ها در جهت شرقی- غربی و یا با چرخشی مختصر نسبت به آن است تا طول بیشتری از ساختمان در برابر نور جنوب قرار گیرد.
- سقف‌ها شیب دار (در بیشتر موارد دو شیبه) و در دوران معاصر بیشتر از حلب ساخته شده‌اند.
- در اکثر خانه‌ها جبهه اصلی بخش زیستی ساختمان رو به جنوب و یا با چرخش از آن به سمت شرق و غرب کشیده شده است که خود نشان از اهمیت نورگیری بالایی بهره‌مند می‌باشد و از تابش خورشید در اقلیم سرد منطقه دارد؛ و بازشوها نیز غالباً در این جبهه واقع‌اند.
- فضای سرپوشیده ایوان در غالب خانه‌ها به عنوان فضای رابط میان فضای باز حیاط و فضای بسته ساختمان در جهت تعدیل حرارتی و محافظی در برابر ریزش‌های جوی عمل می‌کند. این فضا در تابستان به عنوان نشیمن خنک به کار می‌رود.

- در اکثر بناها از ارتباط مستقیم بنا با سطح زمین تا جای ممکن خودداری شده است و بیشتر به صورت دوطبقه ای ساخته می شدند، به گونه ای که طبقه زیرین به فضاهای خدماتی مانند انبار و اصطبل و مانند آن و طبقه فوقانی به محل سکونت اختصاص می یافت.
- در مقابل نزولات جوی، که به علت اقلیم سرد کوهستانی منطقه بسیار زیادند، استفاده از سقف شیب دار در خانه های روستایی معمول است.
- ارتفاع کم سقف و نیز تعداد طبقات کم، موجب می شود که بنا هر چه کمتر در برابر باد نامطلوب قرار گیرد و حرارت از دست بدهد.
- استفاده از بازشوی کوچک و تعداد کم بازشوها راه حل دیگری در برابر اقلیم سرد منطقه است. همچنین نحوه قرارگیری بازشوها به گونه ای است که از ایجاد کوران در فضای داخلی جلوگیری کند.
- استفاده از مصالح بومی سنگ و خشت و دیوارهای قطور به دلیل ظرفیت حرارتی بالا و ضریب انتقال حرارتی پایین، تبادل حرارتی داخل و خارج را به حداقل می رساند.
- دارای دو ایوان ستوندار در دو جبهه اصلی شمالی و جنوبی ساختمان می باشند و تنها در موارد خاص ممکن است سه ایوان در سه طرف و یا حالت های دیگر مشاهده شود.
- سقف ها در اغلب موارد به صورت دو شیبه و سه شیبه ساخته می شدند.
- پیش آمدگی بام نیز در این منطقه کمتر می باشد تا با سایه اندازی کمتر در ضلع جنوبی و شمالی بنا، امکان ذخیره و جذب بیشتر گرمای خورشید در زمستان سرد را فراهم آورد و در عین حال از برخورد نزولات جوی با بدنه ساختمان جلوگیری به عمل آورد.



تصویر شماره (۲): اسکیس از منظر کلی بافت روستای زیارت.

بررسی مسکن بومی روستای زیارت

بسیاری از خانه های واقع در این روستا در محیط های با شیب و بیشتر به صورت دوطبقه ای ساخته می شدند، به گونه ای که طبقه زیرین به فضاهای خدماتی مانند انبار و اصطبل و مانند آن و طبقه فوقانی به محل سکونت اختصاص می یافت. ساختار پلان این گونه خانه ها بیشتر خطی و کشیدگی محور آن شرقی- غربی بود و در اغلب موارد از یک ردیف اتاق شکل می گرفت. سقف ها شیب دار (در بیشتر موارد دو شیبه) و در دوران معاصر بیشتر از حلب ساخته شده اند. در بیشتر موارد دو ایوان ستون دار در دو جبهه اصلی ساختمان ساخته شده است.

عناصر فضایی

مهم ترین عناصر فضایی خانه های روستایی این منطقه قرارگیری سه گونه فضایی باز (حیاط)، نیمه باز (ایوان) و بسته (اتاقها) در کنار یکدیگر است. هر یک از این فضاها با توجه به نحوه زندگی خانواده ها، فضاهایی پر کاربرد بوده اند.

فضای باز: شامل حیاط است که در خانه های واقع شده در این منطقه، حیاط دور تا دور ساختمان و محل قرارگیری فضاهای خدماتی چون انبار، آشپزخانه، تنور و سرویس بهداشتی می باشد و برای انجام فعالیت های کشاورزی و دامداری استفاده می شود که در این گونه بناها معمولاً فضاهای خدماتی در ضلع غربی محوطه قرار دارد و در ضلع جنوبی برای دریافت نور فضایی قرار نمی گیرد. حتی دیواری گرداگرد اکثر حیاط ها وجود ندارد. همسایگی ها در فاصله کمی از ضلع شرقی، غربی و شمالی وجود دارد ولی در ضلع جنوبی با فاصله بیشتری قرار دارد. به طوری که می توان گفت غالباً محور طولی ساختمان ها شرقی غربی است و حیاط ها شمالی جنوبی. در خانه های این منطقه غالباً بخشی از فضاهای خدماتی همچون سرویس بهداشتی و تنور و انبار کاه در حیاط و بخشی دیگر همچون انبار علوفه، گندم و جو و محل نگهداری دام در طبقه همکف قرار دارد.

فضای نیمه باز: در هر سه گونه در این منطقه، استفاده از فضای نیمه باز همچون ایوان، به عنوان رابط بین فضای باز و بسته دیده می شود و عملکردهای گوناگونی دارد. الگوی شکلی ایوان در این منطقه از دو فرم یک طرفه و دو طرفه تبعیت می کند و از عمق کمی برخوردار است و عملکرد آن برای حفاظت از باران، سرما و عوامل

خارجی است که در اطراف اتاق‌ها ایجاد شده و برای انجام کارهایی از قبیل آشپزی، غذاخوری، کار و استراحت و گاهی اوقات برای نگهداری محصولات کشاورزی استفاده می‌شود.

فضای بسته: فضاهای بسته در این منطقه شامل فضای نگهداری دام، فضای خدماتی و فضای زندگی (فضای عمومی و خصوصی) می‌باشد. فضای خصوصی فضایی است که پخت و پز در آن صورت می‌گیرد و اعضای خانواده در آنجا روز خود را سپری می‌کنند و محل زندگی، غذا خوردن و خواب آن‌ها است و با توجه به اینکه به دلیل شرایط مالی روستاییان امکان اتاق اختصاصی برای هر یک از اعضای خانواده امکان پذیر نیست طراحی داخل اتاق‌ها به گونه‌ای است که با قرار دادن تاقچه‌های متعدد برای لوازم کاربردی و گنجه‌های بزرگ درون دیوار برای لباس یا رختخواب و فضاهایی از این قبیل نیازهای آن‌ها را برطرف می‌کند و فضای عمومی فضایی است که کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و از آن برای پذیرایی از مهمان که ورودی جداگانه‌ای دارد استفاده می‌شود.

سازمان فضایی مسکن بومی روستای زیارت

ترکیب فضایی خانه‌های این منطقه به صورت خطی و L، U شکل می‌باشد و برای ارتباط دادن اتاق‌هایی که از یک طرف به هم متصل هستند، ایوانی سرتاسری اکثراً در یک طرف بنا وجود دارد. به طور کلی ساختار فضایی خانه‌ها در این منطقه به گونه‌ای است که خانه‌ها به شکل برون‌گرا طراحی و ساخته شده و اغلب خانه‌ها روی شیب و به صورت دو طبقه شکل گرفته است به شکلی که طبقات زیرین برای نگهداری دام و انبار و طبقه بالا به محل سکونت اختصاص می‌یابد. در این منطقه غالباً آشپزی یا در ایوان صورت می‌گیرد و یا در فضاهای زیستی و ایوان با ستون‌های چوبی در اطراف اتاق‌ها وجود دارد. الگوی پلانی اکثر خانه‌ها به شکل خطی، L شکل و U شکل می‌باشد که در اغلب الگوی این پلان‌ها دو ورودی برای فضای عمومی و خصوصی قرار دارد که از ایوان به عنوان پیش‌ورودی فضاهای ذکر شده استفاده می‌شود و جهت قرارگیری هر سه نمونه بررسی شده به دلیل استفاده از نور آفتاب و تشخیص جهت قبله در خانه سمت جنوب است و بنا به دلایل اقلیمی دارای کشیدگی در امتداد محور شرقی-غربی می‌باشند (نمونه‌هایی از این خانه‌ها را در جدول شماره ۳ می‌بینید).

جدول شماره (۳): عناصر فضایی باز (حیاط)، نیمه باز (الگوی پلانی) و بسته (نحوه جداسازی عرصه عمومی و خصوصی) خانه‌های روستای زیارت. مأخذ: نگارندگان.

فضای بسته	فضای نیمه باز	فضای باز

ارتباط بین فضاهای باز، نیمه باز و بسته

در منطقه بررسی شده، استفاده از فضاهای نیمه باز همچون ایوان به عنوان رابط بین فضای باز و فضای بسته دیده می‌شود. در بیشتر موارد دارای دو ایوان ستوندار در دو جبهه اصلی شمالی و جنوبی ساختمان می‌باشند و تنها در موارد خاص ممکن است سه ایوان در سه طرف و یا حالت‌های دیگر مشاهده شود. ایوان نقش ارتباط دهنده و پل ارتباطی بین اتاق‌ها را دارد. «وجود ایوان و بالکن سر پوشیده سبب پیشگیری آب باران به داخل فضاها می‌شود. ضمناً وجود ایوان سر پوشیده مقداری وزش باد را به داخل فضا کم می‌کند» (زمرشیدی، ۱۳۸۲: ۳۰۵) و با توجه به عمق نفوذ کج باران‌ها عرض‌های متفاوتی دارد. «ساده‌ترین ایوان، با کمی پیش آمدگی سقف شکل می‌گیرد» (فاتح، ۱۳۸۹). متداول‌ترین نوع ایوان در این منطقه است. به علت رو به جنوب بودن نمای اصلی ساختمان برای نورگیری بهتر، ایوان‌ها در سمت جنوبی ساختمان قرار دارند.

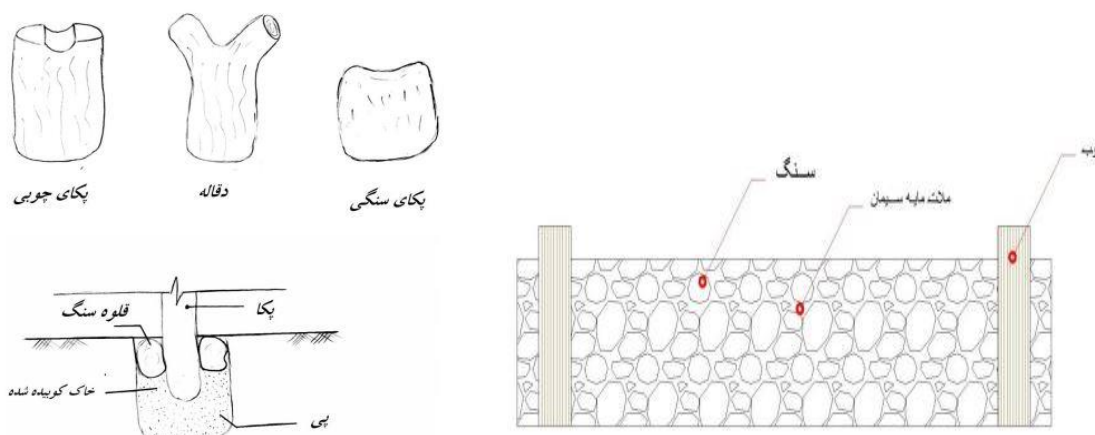
ارتباط بین اجزاء و عملکرد فضاها در پلان

در معماری بومی روستایی نواحی کوهستانی بخشی از فضاهای خدماتی همچون سرویس‌های بهداشتی و تنور در محوطه حیاط و بخشی دیگر هم چون انبار آذوقه و ابزار در طبقه همکف واحدها قرار می‌گرفتند. در این واحدها فضاهای اقامتی در طبقه اول و یا طبقه دوم واقع می‌شده‌اند. این نحوه قرارگیری در جلوگیری از نفوذ رطوبت زمین و ارتفاع دهی به فضاهای زیستی، جهت بهره‌وری بیشتر از باد مناسب و تهیه بهتر در فصول گرم تأثیر زیادی دارد. - خانه‌های روستای زیارت غالباً دو طبقه می‌باشند.

- به منظور حداکثر استفاده از تابش خورشید بر بدنه ساختمان و تهویه دو طرفه کشیدگی پلان در این خانه‌ها شرقی- غربی و همه آنها دارای بالکن در دو ضلع کشیده می‌باشند.
- کارکرد پلان طبقه همکف، انبار وسایل و محصولات کشاورزی می‌باشد.
- طبقه اول و در صورت وجود طبقه دوم، کارکرد سکونتی دارند.
- در تقسیم بندی فضای داخلی هر واحد، قسمتی جهت پخت و پز و ایجاد آتش در نظر گرفته شده است.
- تنور و فضاهای نگهداری دام در محوطه قرار دارد.

زیر زمین

به علت وجود رطوبت و بالا بودن سطح آب های زیر زمینی از به وجود آمدن زیرزمین در خانه های این مناطق خودداری می‌کنند و خانه راروی کرسی چینی بنا می‌کنند ولی در ارتفاعات به دلیل وجود شیب زمین، ساختمان ها را در ارتفاع می‌ساختند. و زیر بنا را به عنوان انبار یا زیر زمین استفاده می‌کردند. یکی دیگر از تأثیراتی که اقلیم منطقه (رطوبت) بر روی معماری و سازه خانه‌ها می‌گذارد، اختلاف سطحی است که ساختمان از سطح زمین دارد. برای جلوگیری از نفوذ رطوبت (خاصیت موئینگی) خانه‌ها بر روی کرسی چینی بنا شده است. به طور کلی در منطقه دو نوع پی‌سازی وجود داشته است که با توجه به نوع خاک و بار وارده بر آن، اجرا می‌شده است. در نوع اول که قدیمی تر است سطح زمین را تا جایی که به بستر مناسب برسد خاکبرداری می‌کنند و آن را تا ارتفاع یک متر بالاتر از سطح زمین با سنگ و ملات گل و آهک پر می‌کنند و نوع دوم: «در خانه های قدیمی از پی های چوبی (پکاسری pekasari) یا پی سنگی استفاده می‌شده است، در پی چوبی، ابتدا چوب هایی به صورت عمودی در زمین کاشته می‌شده و سپس بین این شبکه ها با سنگ پر می‌شده است. در پی سنگی نیز از سنگ هایی استفاده می‌کردند» (عباس پور، ۴۰: ۱۳۸۶) که به دو صورت اجرا می‌شده است (تصاویر شماره ۳ و ۴).



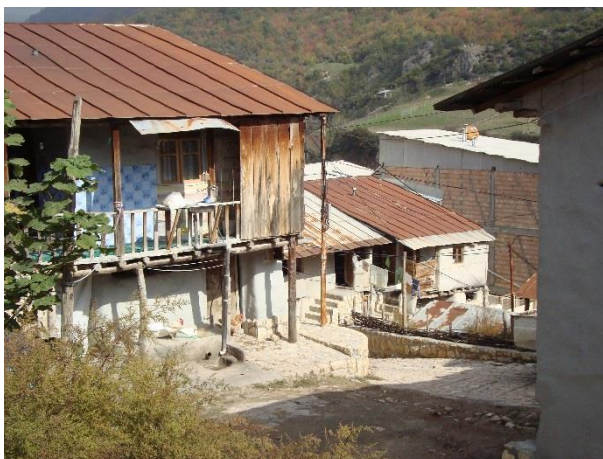
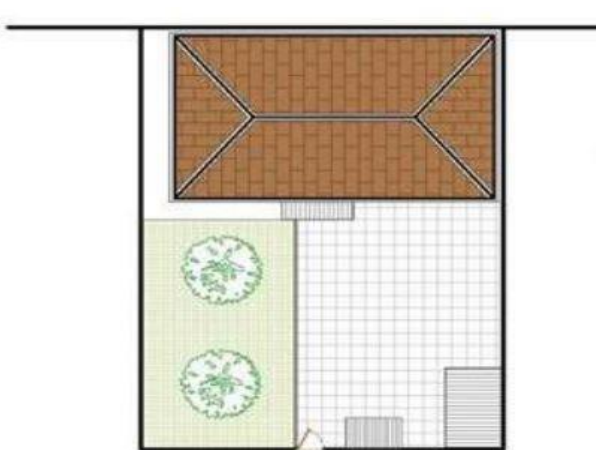
تصویر شماره (۳): نحوه اجرای کرسی چینی. منبع: نگارندگان. تصویر شماره (۴): نحوه اجرای کرسی چینی، منبع: (Farajnejad ghadi, 2010).

استفاده از تهویه دو طرفه هوا

به علت وجود رطوبت و نم در کف و دیواره های بنا و به علت آسیب دیدن احتمالی ساختمان به مرور زمان، پلان ساختمان ها طوری طراحی و اجرا می‌شده که امکان تهویه هوا در بنا وجود داشته باشد. به این صورت که در هر فضا حداقل از دو نوع در یا پنجره استفاده می‌کردند که یکی برای ورود هوا و دومی برای خروج آن پس از گردش در فضای اتاق بوده است این روزنه‌ها در سمت جنوبی و شمالی که جهت باد های مطلوب است قرار می‌گرفته است.

شکل ساختمان به صورت برون‌گرا

خانه های این منطقه به صورت برون‌گرا ساخته می‌شود. «فضاهای برون‌گرای یک سویه، نوعی از ساختمان‌ها هستند که نورگیری، تهویه و دسترسی به فضاهای داخلی شان از طریق فضای باز پیرامونی واقع در بیرون آن‌ها صورت می‌گیرد و پنجره‌ها، درها و روزن‌های شان به سمت بیرون سازمان یافته‌اند. این گونه از ساختمان‌ها به شکل های متنوعی طراحی و ساخته می‌شده‌اند» (سلطان زاده، ۸۰: ۱۳۹۰) و فضاهایی مانند سرویس بهداشتی و حمام بیرون از ساختمان ساخته و یاروی ایوان طوری تعبیه می‌شوند که به بیرون دید نداشته باشند و همچنین به خاطر نوع معیشت خانواده فضاهایی مانند طویله و مرغدانی در حیاط در نظر گرفته می‌شده است. خانم های خانه برای رفع احتیاجات غذایی، باغچای را در گوشه ای از حیاط ایجاد می‌کرده‌اند و فضایی برای پخت نان (تندیر خنه) در گوشه ای از حیاط در نظر می‌گرفتند.



تصویر شماره (۵): ایوان خانه ای در روستای زیارت، منبع: نگارندگان. تصویر شماره (۶): سایت پلان خانه‌ای در روستای زیارت، منبع: نگارندگان.

مصالح و جزئیات ساخت

خانه های روستایی واقع شده در دامنه های پرشیب کوهستانی از ترکیبی از سازه سبک و مصالح با ظرفیت حرارتی بالا و در دسترس استفاده شده است. طبقه همکف با مصالح بنایی مانند سنگ و گل بالا آورده شده است و روی این دیواره ها که در همکف دارای ضخامت بیشتر می باشند، تیرهای چوبی که عمدتاً چوب مازو (بلوط) می باشند، قرار می گیرند. دیواره ها در طبقه فوقانی ترکیبی از سنگ، چوب و گل می باشند. سقف ها شیبدار (در بیشتر موارد دو شیبه) و از جنس سفال و یا تخته چوبی بوده اند که در سال های اخیر با حلب جایگزین شده اند - پایه بنا از سنگ و گل می باشد و تیرهای چوبی روی این دیواره ها که در همکف دارای ضخامت بیشتر می باشند؛ قرار می گیرند. دیوارها نیز از سنگ، گل و چوب می باشند.

- بام ها شیب دار بوده و به صورت دو طرفه (دو ترک)، سه طرفه و یا چهار طرفه (چهار ترک) می باشند و سفال پوش بوده که بعدها به صورت حلب پوش درآمده اند. خاک: عمده ترین مصالح به کار رفته در روستاها، خاک است. ماده اساسی تشکیل دهنده خاک، ذرات ریز رس است که پس از خیس شدن در آب حالت چسبندگی پیدا می کند. انتخاب خاک مناسب بستگی به نوع مصرف آن در ساختمان دارد. به طور کلی هر چه میزان رس موجود در خاک بیشتر باشد، خاک مرغوبیت بیشتری دارد. گونه های مختلف استفاده از خاک به صورت گوناگون از جمله مصالح باربر، پرکننده، آندود استفاده می شود. در مورد استفاده از خاک به عنوان مصالح باربر، می توان خشت و آجر را نام برد. خشت، آجر، ملات گل، گل سفت (از خاک به صورت گل سفت قبل از آندودکاری استفاده می کنند. به این نوع گل پرکننده، هوار می گویند. از هوار برای پر کردن و هم سطح کردن سطوح استفاده می شود)، گچ و خاک کاهگل.

سنگ: به علت کوهستانی بودن منطقه سنگ به وفور یافت می گردد. منابع تأمین سنگ در روستاها غالباً به دو دسته تقسیم می شوند: الف) سنگ رودخانه‌ای، ب) سنگ تیشه خورده. موارد استفاده از سنگ: از سنگ در دیوارچینی، کف‌سازی، کرسی‌چینی، پی‌سازی، طاق‌سازی و همچنین زیرستون ها با ابعاد ۳۰*۳۰*۲۰ سانتی‌متر استفاده می شود. سنگ‌های ریز نیز در ملات‌ها مورد استفاده قرار می گیرند.



تصویر شماره (۷): جزئیات استفاده از سنگ در نمونه های مسکن بومی روستایی مورد مطالعه

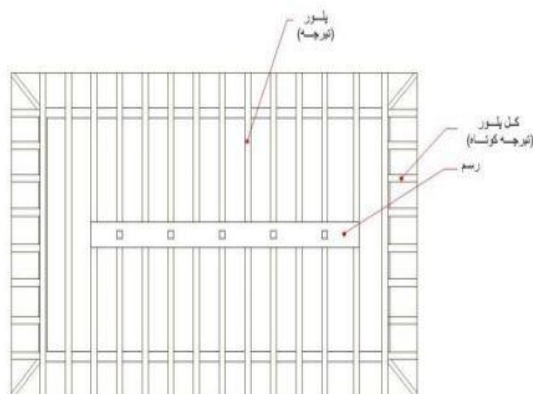
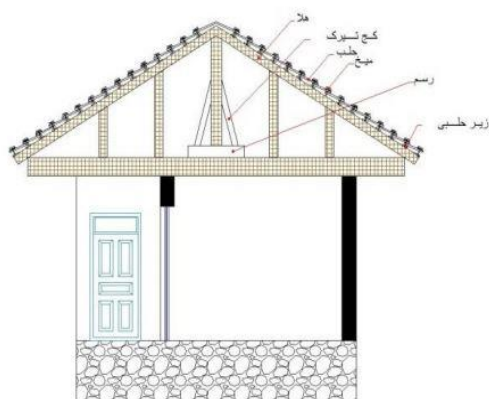
چوب: تیرهای چوبی که عمدتاً چوب مازو (بلوط) می باشند، که داخل روستاها به عنوان یکی از مصالح ساختمانی به وفور یافت شود. سقف‌ها که در آنها در پنج قسمت مختلف از چوب استفاده می‌شود: تیرهای اصلی (نال)، تیر فرعی، سرستون ها، شاخ و برگ درختان، تخته. از موارد دیگر استفاده چوب می‌توان این موارد را نام برد: چارچوب در و پنجره، دست انداز ایوان ها، حصار باغ، سقف های شیب دار.



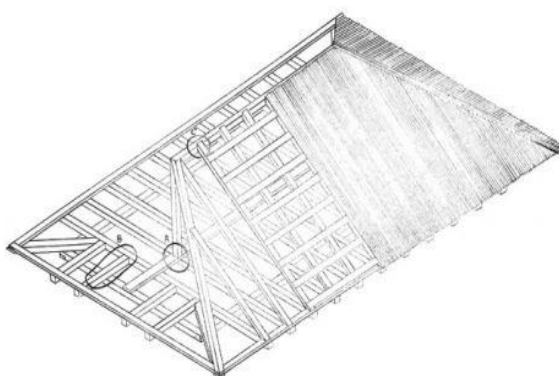
تصویر شماره (۸): جزئیات استفاده از چوب در تیرهای سقف در نمونه های مسکن بومی روستایی مورد مطالعه

نوع بام

در واحدهای بررسی شده در مناطق کوهستانی با توجه به سردتر بودن این منطقه و این که سقف های سفالی عایق های ضعیفی می باشند، عملکرد اقلیمی استفاده از سفال و یا اخیرا پوشش حلبی بام در این زمینه ضعیفتر میباشد. سقفها در اغلب موارد به صورت دو شیبه و سه شیبه ساخته میشوند. پیش آمدگی بام نیز در این منطقه کمتر میباشد تا با سایهاندازی کمتر در ضلع جنوبی و شمالی بنا، امکان ذخیره و جذب بیشتر گرمای خورشید در زمستان سرد را فراهم آورد و در عین حال از برخورد نزولت جوی با بدنه ساختمان جلوگیری به عمل آورد. به علت وجود ریزش باران شدید در طول سال بهترین نوع سقف مورد استفاده در ساخت مسکن های روستایی این منطقه سقف های شیب دار است. «سقف بنا مهم ترین عنصر کالبدی و سازهای برای حفاظت بنا در برابر بارندگی است. سقف های شیب دار از سطح دیوار جلو آمده اند تا حفاظتی در برابر بارش ایجاد کند» (سرتیپی پور، ۴۶: ۱۳۸۸). به طور کلی به دلیل عوامل اقلیمی این منطقه سقف ها به صورت شیب دارد و دو طرفه و چهارطرفه ساخته می شوند و روش ساخت آن ها به این صورت است که بعد از ساخت دیوارها روی آن را توسط نعل های طولی و عرضی چوبی می پوشانند و توسط چوب هایی به طول، عرض ساختمان با نام «پلور» (کاربری تیرچه را در ساختمان های امروزی دارد) با فاصله ۵۰ سانتی متر قرار می دهند در مرحله بعد تخته محکمی را در وسط ردیف های پلور و در خلاف جهت آن قرار می دهند که نقش صفحه نگهدارنده تیرک خرپاها را دارد. بعد از آن تیرک ها به رسم وصل می شو ند و توسط کج تیرک ها ثابت می شوند و با توجه به شیب در نظر گرفته و ارتفاع تیرک ها «هلا» نصب می شود که یک سر آن به تیرک وسط و سر دیگر آن به انتهای «پلور» متصل می شود و در مرحله آخر برای پوشش نهایی، حلب ها که زیر حلبی قرار دارند توسط میخ به هلا متصل و ثابت می شود.



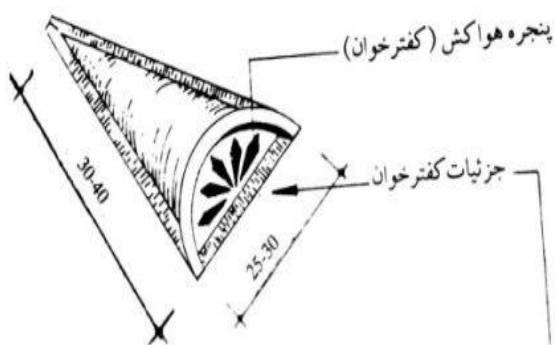
تصویر شماره (۹): جزئیات اجرایی سقف شیب‌دار. منبع: نگارندگان.



تصویر شماره (۱۰): جزئیات اجرایی سقف شیب‌دار. (Farajnejad ghadi, 2010).

استفاده از تهویه و نورگیر روی سقف شیب‌دار

«برای نفوذ هوا به داخل شیروانی، معمولاً در چند نقطه از سطح شیروانی قطعاتی از ورق را به شکل نیمه مخروط ساخته شده و در ناحیه جلوی آن با رعایت پس نشین ورق مشبک به آن وصل می‌شود. ضمناً شیاری باز در ورق شیروانی در ناحیه زیر کفترخوان داده شده و پوشش مخروط بر روی آن مستقر می‌گردد. این پوشش که از ریزش آب باران و برف به داخل اسکلت پیشگیری می‌کنند، به وسیله میخ پرچ به لایه متصل می‌شود» (زمرشیدی، ۳۹۲ : ۱۳۸۲). جزئیات اجرایی این نوع هواکش را می‌توان در تصاویر شماره ۱۱ و ۱۲ مشاهده کرد. علاوه بر این عملکرد به علت بسته بودن زیر شیروانی نوری وارد فضا نمی‌شده است به همین خاطر از آن برای نورگیری زیر شیروانی استفاده می‌شده است.



تصویر شماره (۱۲): منبع زمرشیدی.



تصویر شماره (۱۱): نمونه های اجرا شده هوا کش، منبع: نگارندگان.

تحلیل گونه شناسی

گونه شناسی راهی برای دسته بندی خانه های روستایی براساس فرم و پلان روابط فضایی و شناخت فضاهای ساخته شده است. در بررسی و دسته بندی خانه های روستایی، شناخت عواملی که بر روی ساخت خانه های روستایی تأثیر می‌گذارند عبارتند از: فرهنگ، اعتقادات، باورها، آیین‌ها، دین و مذهب. طبیعت: اقلیم و جغرافیا. اقتصاد: تأمین معیشت و انواع آن. اجتماع: ساختار قبیله ای، طایفه ای و همگن و ناهمگن بودن اجتماع (رفیعی، ۵۶: ۱۳۹۰).

جدول شماره (۴)، جهت بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری گونه‌های مسکن روستایی این منطقه تهیه شده است.

توضیحات	عامل شکل‌گیری
به گفته ساکنین جهت قبله در جهت‌گیری و چیدمان فضاها تأثیرگذار بوده است. همچنین عامل دیگر فرهنگی اعتماد و اطمینانی بوده که بین ساکنان وجود داشته و دیواری بین حیاطها و کوچه‌ها وجود نداشته و تنها با پرچین‌هایی این فضاها از هم جدا می‌شده است.	فرهنگ
اقلیم و جغرافیا تأثیر مستقیم بر معماری و مصالح مورد استفاده در بنا داشته است.	طبیعت
منبع در آمد ساکنین کشاورزی و دامداری بوده است.	اقتصاد
ساختاری همگن داشته و اکثر ساکنین از یک قشر بوده‌اند.	اجتماع

پیشنهادات

با توجه به کلیه مباحث و موارد بیان شده در پژوهش حاضر پیشنهادات ذیل برای ایجاد رابطه ای معقول بین نیاز های امروز و استفاده از تکنولوژی و پیشرفت از یک طرف و حفظ فرهنگ و سنت روستایی در قالب حفظ الگوی مسکن روستایی از طرف دیگر بیان می شود که این موارد را می توان اینگونه بیان کرد؛

- ایجاد تنوع و نوآوری در طرح های سنتی و بومی.
- ایجاد چهارچوب مشخص و معین در امر خانه سازی و تعیین الگوی نقشه های متناسب با فرهنگ روستایی.
- پیش گام شدن سازمان های دولتی در امر طراحی الگوها و ساختن مسکن روستایی به شکل سنتی و بومی در روستاها.
- توجه به مقوله های معیشتی، اقتصادی، اقلیمی و اجتماعی و غیره در الگوهای مسکن روستایی.
- ارائه الگو با استفاده از نظر و تجربیات روستاییان در کنار مشاوره های متخصصان.

نتیجه گیری

شهرستان گرگان در استان گلستان و شمال ایران در تقسیم بندی اقلیمی چهارگانه ایران در حوزه معتدل و مرطوب و روستای زیارت در اقلیم کوهستانی جای می گیرد. با توجه به بررسی صورت گرفته و نتایج آن سیمای معماری بومی مسکونی روستای زیارت به دلیل خصوصیات مشترک اقلیمی از بعضی جهات مشترک و هماهنگ با دیگر روستاها در سطح استان می باشد. استفاده از بام شیبدار، ایوان، ارتفاع دهی به بنا و کرسی چینی، جهت گیری شرقی- غربی ساختمان، پلان آزاد و تهویه دو طرفه خصوصیات اقلیمی مشترک در تمامی واحدهای مسکونی بومی یافته شده در این منطقه می باشد. در معماری مسکن بومی روستای زیارت، ضخامت دیوارها بیشتر بوده و از مصالح با ظرفیت حرارتی بیشتر و در دسترس همچون سنگ و گل استفاده شده است. نظام خویشاوندی واحدهای همسایگی را به وجود آورده است که شامل چند واحد مسکونی گرد یک فضای باز مشترک می باشد که این فضا، محلی جهت فعالیت های روزمره می باشد. طبقه همکف بناها به عنوان انبار و محل نگهداری آذوغه می باشد که فضاهای زیستی طبقه بالای همکف را از رطوبت و سرمای زمین جدا میکند. عرض فضاهای نیمه باز کمتر شده و بیشتر نقش ارتباطی دارند. روستاها به عنوان سکونتگاه های بخش عمده ای از مردمان کشور، مستلزم خدمات رسانی های ضروری و توجه کافی به امکانات بهداشتی، آموزشی و اقتصادی اند. البته می بایست توجه داشت که خدمت رسانی نباید به معنای مشابه کردن روستا با شهر تلقی گردد. بافت بومی به مثابه سرمایه ای است که طی سالیان به دست آمده است و در نتیجه نباید با ملزوم کردن روستاییان به ساخت و ساز با قوانین شهری، زمینه های تخریب و نابودی آنها را فراهم ساخت.

فهرست منابع و مآخذ

منابع فارسی

- ۱- سعیدی، عباس و همکاران، ۱۳۹۲، نوسازی مسکن و دگرگونی ساختاری-کارکردی خانه های روستایی، فصلنامه جغرافیا، شماره ۳۸.
- ۲- علی الحسابی، مهران، کرانی، نعیمه، ۱۳۹۲، عوامل تاثیرگذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱.
- ۳- سرتیپی پور، محسن، ۱۳۹۰، بیانیه، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین المللی سکونتگاههای روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- ۴- آقایی زاده، اسماعیل، ۱۳۹۰، بررسی تطبیقی مسائل برنامه ریزی مسکن روستایی در مناطق مختلف ایران، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین المللی سکونتگاههای روستایی، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، چاپ اول، صص ۲۳-۱.
- ۵- سرتیپی پور، محسن، ۱۳۸۹، خانه های روستایی ایران، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- ۶- احمدیان، رضا، محمدی، حمید، ۱۳۸۸، بافت شناسی روستایی کشور، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- ۷- حجت، مهدی، ۱۳۸۸، مقدمه کتاب الگوهای استاندارد در معماری، نشر مهرآزان، چاپ اول، تهران.
- ۸- زرگر، اکبر، ۱۳۸۸، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، چاپ پنجم.
- ۹- سرتیپی پور، محسن، ۱۳۸۸، آسیب شناسی معماری روستایی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۰- خداینده لو، زهره، خرماهی، مریم، ۱۳۸۷، بازشناسی زیبایی در مسکن روستایی، فصلنامه آبادی، شماره ۶۰.
- ۱۱- سرتیپی پور، محسن، ۱۳۸۷، روستا سکونتگاه مطلوب، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۳.
- ۱۲- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، نمونه هایی از الگوی مسکن روستایی، انتشارات فراگیر هگمتانه، تهران.
- ۱۳- کوششگران، علی اکبر، ۱۳۸۶، شناخت زمینه های موثر بر تبیین منشور حفاظت میراث روستایی ایران، رساله دکترای معماری، دانشگاه علم و صنعت، ایران.
- ۱۴- موسوی، بی بی اعظم، صالحی، فرحناز، ۱۳۸۴، بررسی ابعاد اجتماعی الگوهای سنتی و جدید در مسکن روستایی، نشریه مسکن و انقلاب، شماره ۱۱۲.
- ۱۵- سرتیپی پور، محسن، ۱۳۸۴، شاخص های معماری مسکن روستایی در ایران، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۲.
- ۱۶- طالبی، مهدی، ۱۳۸۴، جامعه شناسی روستایی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۷- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۳، توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران، نشر نی، تهران.
- ۱۸- عینی فر، علیرضا، ۱۳۸۲، الگویی برای تحلیل انعطاف پذیری در مسکن سنتی ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۳.
- ۱۹- رزمی، حمیدرضا، مرادی، صامیه، میرزاعلی، محمد، ۱۳۹۶، واکاوی گونه ها و ساختارهای معماری خانه های روستایی (مطالعه موردی: شهرستان علی آباد کتول)، فصلنامه پژوهش های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، شماره هفتم، تابستان ۱۳۹۶، صص ۳۷-۵۱.
- ۲۰- مولایی هاشمینی، نصرالله، حسین نژاد، معصومه، ۱۳۹۱، نقش مسکن سنتی روستاهای کوهپایه ای و کوهستانی در توسعه پایدار روستاهای غرب مازندران (رامسر-تنکابن)، مجله چشم انداز جغرافیایی، سال هفتم، شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۱، صص ۱۷-۱.

- ۲۱- سلطان زاده، حسین، قاسمی نیا، مازیار، ۱۳۹۰، گونه شناسی ساختار کالبدی-کارکردی معماری مسکونی استان گلستان، مجله آرمانشهر، شماره ۷، زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۵-۱.
- 22- Fien, J. 2012, Why isn't it solved? Factors Affecting Improvements in Housing Outcomes in Remote Indigenous Communities in Australia. Habitat International, Vol.36, Issue 1, pp.20-25.
- 23- Mannarini, T., Fedi, A., 2009. Multiple senses of community : the experience and meaning of community. Journal of Community Psychology 37 (2), 211-227.
- 24- Middleton. And Freestone, P. 2008, The Impact of Culture, led Regeneration on Regional Identity in North East England , Prague, Czech Republic.
- 25- Sabbatini, B., (2008), Therualvermacular heritage and society in france , Futurepa A council of Europe Magazin
- 26- Cialdea, D., and Maccarone, A. 2007, Regeneration of Abandoned Rural Landscapes: The Case of Underground Settlements in Molise, Congresso De Desenvolvement, Regional De Cabo Verde, Pp 3977-4003.
- 27- bachelard, Gaston, 2007, " The oneiric house, in Housing and Dwelling: Perspectives on Modern Domestic Architecture ed . Barbara Miller Lane, published routledge. Bristol, pp.1-10.
- 28- Broome, John, 2005. Mass housing cannot be sustained. In: Peter Blundel Jones & others (Edt.) Architecture and participation. Spon press.
- 29- United Nations Development Programs. 2002. " Rural Development in Kazakhstan: Challenges and Prospects. Almaty: UNDP.